

اشیای شهر تاریخی حسنلو در

موزه ارومیه

علی صدرائی

(استادیار پژوهشگاه سبوت فرهنگی و گردشگری)

صمد علیون (خواجه دیزج)

www.ketab.ir

سرشناسه	صدرائی، علی، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: اشیای شهر تاریخی حسلو در موزه ارومیه / علی صدرائی و صمد علیون.
مشخصات نشر	: تبریز: پروژه ترجمه حسلو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۸ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۹-۳۷-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: موزه ارومیه -- کاتالوک ها
موضوع	: موزه ها -- ایران -- ارومیه
موضوع	: اشیای هنری باستانی -- ایران -- ارومیه -- کاتالوک ها
موضوع	: تپه حسلو -- آثار تاریخی
شناسه افزوده	: علیون خواجه دیزج، صمد، ۱۳۵۹
رده بندی کنگره	: AM۹۷۷
رده بندی دیویی	: ۷۰۸/۹۵۵۲۳۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۳۱۳۲۴

اشیای شهر تاریخی حسلو، موزه ارومیه

پژوهشگران	◇ علی صدرائی، صمد علیون
ویراستار	◇ مامدرضا نعمتی
تألیف	◇ پروژه ترجمه حسلو
نوبت چاپ	◇ اول، ۱۳۹۸
تیراژ	◇ ۵۰۰ جلد
تعداد صفحه و قطع	◇ ۱۰۸ / رقعی
مروفچینی و صفحه آرایی	◇ خدمات نشر نسیم رین
شابک	◇ ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۹-۳۷-۰۰
قیمت	◇ ۵۰۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ است.»
«استفاده از اطلاعات و اسناد موجود در این کتاب با ذکر منبع بلامانع است.»



تبریز: فیلیان امام، بازار کبود، فاز ۱، طبقه همکف، پلاک ۴۸

www.nashreprojeh.com

تلفن: ۰۹۱۴۳۰۵۹۰۳۶

فهرست منابع

شماره صفحه

عنوان

۱۱	تقدیر و تشکر
۱۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه و معرفی
۲۵	دوره های مختلف شناسایی شده در حسلو
۳۰	پیشینه ساکنان امروزی حسلو
۳۲	پیشینه کشف حسلو
۳۵	منابع و مآخذ
۳۷	کاتالوگ اشیا



مقدمه و معرفی

تپه یا شهر تاریخی حسنلو در زمره مناطق باستانی بلندآوازه و کلیدی ایران قرار دارد و به حق می‌توان در شاهیت قصیده‌درازدامن تاریخ ایران، جایگاه ممتازی برای آن متصور شد. این تپه استوار در طول عمر حداقل ۸۰۰۰ ساله خود، در برابر تازیانه‌ها و جور ایام برقرار ایستاده. حم به ابر و نیاورده است. آوازه این شهر که برگ‌های بسیاری از تاریخ گذشته‌های دور این خطه را به نام خود رقم زده، دهه‌هاست با درنوردیدن مرزهای ایران به چهارگوشه عالم رسید. این مهم را باید مرهون کاوش‌های باستان‌شناختی علمی، خاصه کاوش‌های هیئت امریکایی (موسم به «پروژه حسنلو») به سرپرستی پرفسور رابرت هنری دایسون، و کشف یافته‌های ارزشمند و بی‌بدیلی چون «جام زرین حسنلو» بدانیم.

در این شهر باستانی لایه‌ها و آثاری از دوره‌های مختلف (حداقل ۱۰ دوره اصلی) به دست آمده که قدمت قدیمی‌ترین آنها حدود ۸۰۰۰ سال تخمین زده می‌شود و جدیدترین آنها نیز مربوط به دوره ایلخانی (سده هشتم هجری) است (در ادامه بر این موضوع شرح اجمالی خواهد آمد). با این حال، شناخته‌شده‌ترین دوره مدنیت در حسنلو دوره ای است که در اصطلاح باستان‌شناسی «دوره چهار ب» یا «مرحله ب دوره چهارم» نامیده می‌شود و در دوره‌بندی متداول در باستان‌شناسی دوران تاریخی، در «عصر آهن» جای می‌گیرد. البته به گواهی کاوشگران محوطه، در برخی دوره‌های دیگر از جمله دوره‌های ششم و پنجم محوطه، وسعت و گستردگی شهر حتی از این دوره نیز بیشتر بوده است، اما چون بخش اعظم آثار دوره‌های نامبرده هنوز زیر خاک قرار دارند، در حال حاضر شهر دوره چهار ب مهم‌ترین مدنیت شکل گرفته در حسنلو به حساب می‌آید.

از تابعیت و نظام سیاسی حسنلوی باستان بی‌خبریم، زیرا از خود حسنلو کتیبه‌ای به دست نیامده است و معدود آگاهی‌های موجود از اوضاع و مرزبندی‌های سیاسی منطقه نیز

متکی بر کتیبه‌های اورارتویی و آشوری به یادگار مانده از آن دوران هستند. پروفیسور دایسون در سال‌های اولیه کاوش‌های حسنلو، این محل را جزو شهرهای کشور باستانی ماننا (شامل بخش‌هایی از مناطق امروزی آذربایجان و کردستان ایران) معرفی می‌کرد اما در سال‌های بعد از این موضع عقب نشست. به هر روی، از دانسته‌های فعلی چنین برداشت می‌شود که حسنلو در دوره چهار ب یکی از برجسته‌ترین دولت‌شهرهای پرتعدادی بود که جای‌جای حوضه گسترده دریاچه ارومیه را اشغال کرده بودند. این دولت‌شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در محاصره ابرقدرت‌های آن روزگار یعنی آشور (تقریباً عراق امروزی) و اورارتو (بخش‌هایی از ترکیه امروزی) و حتی کشور پهناور ماننا قرار داشت. نام قدیم این شهر نیز «نسته نیست» و تپه باستانی امروزی را تنها به مناسبت نام روستای مجاور، حسنلو نامیده‌اند. درباره نام آن در ازمنه باستان دیدگاه‌هایی بر پایه مدارک تاریخی و البته مبتنی بر حدس و گمان ارائه شده که در حال حاضر امکان تأیید یا رد قطعی آنها وجود ندارد. مهم‌ترین اسامی در دسترس عبارت‌اند از «مِشتا» (رک. سالوینی ۱۳۹۵، ۶) و «گیلزانو» (رک. Reade 1979) که از شهرهای مهم منطقه محسوب می‌شدند.

شهر باستانی حسنلو در جزایر دریاچه ارومیه واقع شده که طبق مندرجات کتیبه‌های عهد پادشاهی شلمنصر سوم (س. ۲۴ تا ۸۰۹ پیش از میلاد مسیح)، پادشاه امپراطوری آشور، در آن روزگار به نام «دریای عذری نائیری» شناخته می‌شد. برابر اسناد تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسان، حوضه دریاچه ارومیه در راسر عهد باستان به دلایل مختلفی مطمح نظر قدرت‌های بزرگ و کوچک منطقه بوده و چون کانون لشکرکشی‌ها و میدان جنگ‌های خونین بوده است. از جمله آن دلایل می‌توان به موقعیت جغرافیایی ممتاز آن به لطف قرارگیری در ملتقی شاهراه‌های تجاری دنیای باستان و نیز برخورداری از منابع و مواهب طبیعی سرشار را نام برد. اشیاء و اقلام خارجی پرشماری ساخت و سبک‌های هنری بیگانه به کاررفته در ساخت و پرداخت و تزیین دست‌ساخته‌های گاه‌ها بسیار ارزشمند حسنلو نیز از مناسبات به‌غایت گسترده بازرگانان، پیشه‌وران و هنرمندان حسنلو با مناطق دولت‌های دور و نزدیک خبر می‌دهند.

پروفیسور دایسون در اوایل تابستان سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) با همراهی جیسون پیچ، از کارکنان موزه دانشگاهی پنسیلوانیا، راهی ایران می‌شود. وی از سوی فرولیچ رینی، مدیر وقت موزه دانشگاه پنسیلوانیا، مأموریت داشت تا محوطه مناسبی جهت اجرای

کاوش‌های باستان‌شناختی در ایران پیدا کند. نامبردگان به اتفاق تقی آصفی، از کارکنان اداره کل باستان‌شناسی ایران، پای در سفری اکتشافی می‌گذارند. سابقه فعالیت‌های این موزه در مناطق شمالی، دایسون را به این صفحات سوق می‌دهد و وی پس از پیمودن سراسر نوار شمالی از گرگان تا ارومیه، سرانجام تپه باستانی حسنلو را برای اجرای کاوش برمی‌گزیند.

این تپه اسرارآمیز با سینه‌ای مالا مال از آلام ناشی از مصایب عهد باستان، به سبب مَهری که گذشت ایام در طول هزاره‌ها بر لبانش نهاده بود، در سکوتی سنگین در گوشه‌ای از دشتی خرم و مصفا آرمیده بود. اما کاوش‌های عمدتاً تجاری و گاه‌آحادودی علمی، در دهه‌های ۱۰ و ۱۳۲۰ هجری شمسی رخنه‌ای در این مهر خاموشی ایجاد می‌کنند و اسراری هوس‌نگیز از دل آن بیرون می‌کشند. حفاریات نسبتاً علمی حاکمی و راد را می‌توان از مهم‌ترین مصادیق کاوش‌ها نامید که گزارش مدون آن نیز بلافاصله از سوی نامبردگان به چاپ می‌رسد (حاکمی و راد ۱۳۲۹).

این اسرار در کنار پاره‌ای لایه دیگر بوجبات رضایت پروفیسور دایسون را طی حضور ۱۰ روزه وی در حسنلو فراهم می‌آورد. اما تدوین نامبرده به این قرار بودند: ضخامت آثار و لایه‌های باستانی در تپه بسیار زیاد و بدین‌شرا آن بود که حاوی لایه‌های مربوط به مراحل آغازین شکل‌گیری یکجانشینی در دشت سولدوز باشد. حسنلو بزرگ‌ترین تپه باستانی در سراسر دره سولدوز بود و از قرائن موجود چنین بر می‌آمد که در برخی دوره‌ها مهد مراکز سکونت و شهرهای مهمی بوده است. در پیرامون آن تعداد زیادی تپه باستانی کوچک‌تر قرار داشتند که در صورت نیاز قابل کاوش بودند. و حسنلو به در مجاورت منطقه بین‌النهرین، گهواره تمدن بشر، قرار داشت به مثابه پل ارتباطی بین فلات ایران و این منطقه قلمداد می‌شد و احتمال کشف شواهد و اسناد مرتبط با مناسب با فرهنگ‌های آن و بین‌النهرین در این تپه بسیار زیاد بود.

این چنین، تیم دانشگاه پنسیلوانیا با همکاری اداره کل باستان‌شناسی ایران کار کاوش تپه باستانی حسنلو را به طور رسمی در سال ۱۳۳۶ آغاز می‌کند. در سایه غنای بی‌سابقه این محوطه و اقبال بسیار بلند سرپرست تیم کاوش، در همان دو سال اول چنان یافته‌های درخشانی در حفاریات به دست می‌آیند که استمرار کاوش‌ها را تا سال ۱۳۵۷ (به طور متناوب طی ۱۰ فصل) ضمانت می‌کنند. به جرأت می‌توان مدعی شد برخی از این یافته‌ها، از جمله جام زرین پر آوازه حسنلو، به لطف تصاویر نقش‌بسته بر دیواره

آن که روایتگر داستانی اساطیری خوانده شده‌اند، در سراسر تاریخ باستان‌شناسی جهان کم سابقه‌اند.

علاوه بر انبوه یافته‌ها و — به تبع آن — حجم عظیم گزارش‌های اولیه‌ای که از کاوش‌ها و پژوهش‌های حسنلو انتشار می‌یابد، سهم واقعه‌ای شوم — و چه بسا از نظرگاهی دیگر، خجسته — را در اشتهار و جاودانگی نام این محوطه هرگز نباید از نظر دور داشت. این واقعه حریق مهیبی است که حدود ۲۸۰۰ سال پیش (یعنی حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح)، ارگ حکومتی حسنلو را با تمامی گنجینه‌های ارزشمند، اموال، لوازم و اسباب و حتی بسیاری از ساکنانش، در کام خود فرو برده و لقب شهر پمپنی ایران را به این تپه رفیع بخشید است.

دایسون با تکیه بر شواهد و یافته‌های کاوش‌های محوطه، و بی‌شک با افزودن چاشنی تخیل و حدس و گمان، صحنه و زمان وقوع این حادثه را این چنین بازآفرینی کرده است:

در روزی از روزهای اواخر تابستان قوای دشمن با پیشروی در پهنه دشت به ساختمان‌هایی در فراز تپه‌ای باند بزرگ برآمدند. از قرار معلوم زمان واقعه شهریور ماه بود و باد شدیدی می‌وزید. مبنای این حدس است که خمره‌های ذخیره آذوقه از غلات، انجیر و انگور پر بودند و این امر گویای آن است که زمان زیادی از موسم ذخیره آذوقه نمی‌گذشت. قوای مهاجم بخشی از ارگ را آتش می‌زنند. اما آن گویا حساب باد را نکرده بودند و بر اثر وزش باد شدید، حریق به ناگهان به سراپای برج‌های ارگ گسترش می‌یابد. چوبی بودن اسکلت‌بندی ساختمان‌ها نیز بر شدت آتش سوزش می‌افزاید. طبقات دوم ساختمان‌ها به همراه هر آنچه از اسباب و ادوات و اشیای ذی‌قیمت داخل آن بود فرومی‌ریزند و افراد حاضر در طبقات پایین نیز که اکثراً از ترس جان به معبدش پناهنده آورده بودند، به همراه آن اقلام زیر خروارها خاک و آوار قرار می‌گیرند. به این ترتیب، دست قوای مهاجم از غارت و جمع‌آوری غنایم کوتاه می‌ماند و انبوه محتویات ساختمان‌ها و اجساد قربانیان این حادثه حدود ۳۰۰۰ سال زیر خاک مدفون می‌مانند. (دایسون، ۱۳۸۷، ۲۶)

از این منظر، تپه حسنلو را می‌توان به تابلوی نقاشی یا موزه‌ای تشبیه کرد که صحنه‌هایی واقعی از حیات یکی از جوامع باستانی و پیامدهای اسفناک یکی از جنگ‌های وحشیانه آن روزگار در آن ثبت و تصویر شده و اکنون پس از چند هزار سال در معرض دید همگان قرار گرفته است.